

چگونه مسجد شاه از اندام نجات یافت

پروفسور بزرگوار

شادروان استاد حسین معانی

دکتر پرویز ورجاوند

استاد دانشگاه تهران و مشاور سازمان
ملی حفاظت آثار باستانی ایران

تقاضای یاری و همکاری

همانطور که در پایان این نوشته ملاحظه خواهند فرمود، نگارنده بر آنست تا با جمع آوری مدارک لازم، طی سلسله نوشته‌هایی ضمن شرح اقدامات تعمیراتی معماران برجسته ایرانی در یک قرن اخیر در بناهای تاریخی، مجموعه‌ای مستند درباره مرمت و بازسازی بناهای تاریخی کشور همراه با عکس و شرح کامل فراهم آورد. از اینرو از تمامی صاحب نظران و محققان، باستان‌شناسان و معماران و علاقه‌مندان که اطلاعات کافی و مدارک گویا بخصوص عکس‌هایی مربوط به قبل از انجام تعمیر در بناهای تاریخی و یا حکونگی بافت و حریم پیرامون آنها در اختیار دارند، تقاضا دارد تا نگارنده را در انجام این مهم با ارسال اطلاعات، معرفی معمارانی که در اجراء تعمیرات دخالت داشته‌اند و بالاخره امانت دادن عکس‌ها و مدارک لازم یاری دهند.

پرویز ورجاوند

«تزدیک به دوماه از درگذشت شادروان استاد حسین معارفی، معمار ارزنده و بزرگ اصفهانی میگذرد. در نهایت صداقت بگویم که خبر درگذشت آن مرد سازنده و پرتلاش برای من خبری بود تلخ و ناگوار. با اینکه چند ماه پیش او را دیده بودم و آثار کهولت را در همه وجودش شاهد بودم، با اینحال مرگ را باو تزدیک نمیدیدم بهمین دلیل از او قول گرفتم که در سفر بعدی باصفهان مفصل برایم در زمینه کارهایی که کرده و بناهایی که تعمیر کرده صحبت کند و در امر جمع آوری و اثره‌های معماری چون گذشته من را یاری دهد. ولی واقعیت جز این بود و چند ماه بعد از آن دیدار، داس مرگ این درخت تنومند و پربار را بر زمین افکند و خاک، عنصری که بیش از هر چیز سالهای

امروز که من این مطلب را مینویسم بیش از سه ماه از درگذشت استادی توانا و مردی سخت‌کوش که بیش از نیم قرن عمر خود را در راه تعمیر و حفظ میراث‌های فرهنگی این ملت صرف کرد، میگذرد و تا آنجا که میدانم جز مطلبی که در همین زمینه در شماره ۱۴۹۲۷ روزنامه اطلاعات نوشتم، کسان دیگری و در جای دیگری مطلبی درباره این مرد ننوشته‌اند. در آن تاریخ که آن مقاله را نوشتم از اینکه درگذشت شادروان معمار معارفی با چنین سکوت و بی‌تفاوتی - تأسف آوری مواجه گردیده سخت ناراحت بودم و قبل از آنکه به شرح مختصری درباره زندگی نامه آن مرد بپردازم با مقدمه زیر که شاید بیش از خود متن بود مطلب را آغاز کرده بودم:

کرد کدام آدم عاقلی است که درباره معمار معارفی مطلبی بنویسد
و از خدمات ۷۵ ساله او یاد کند.

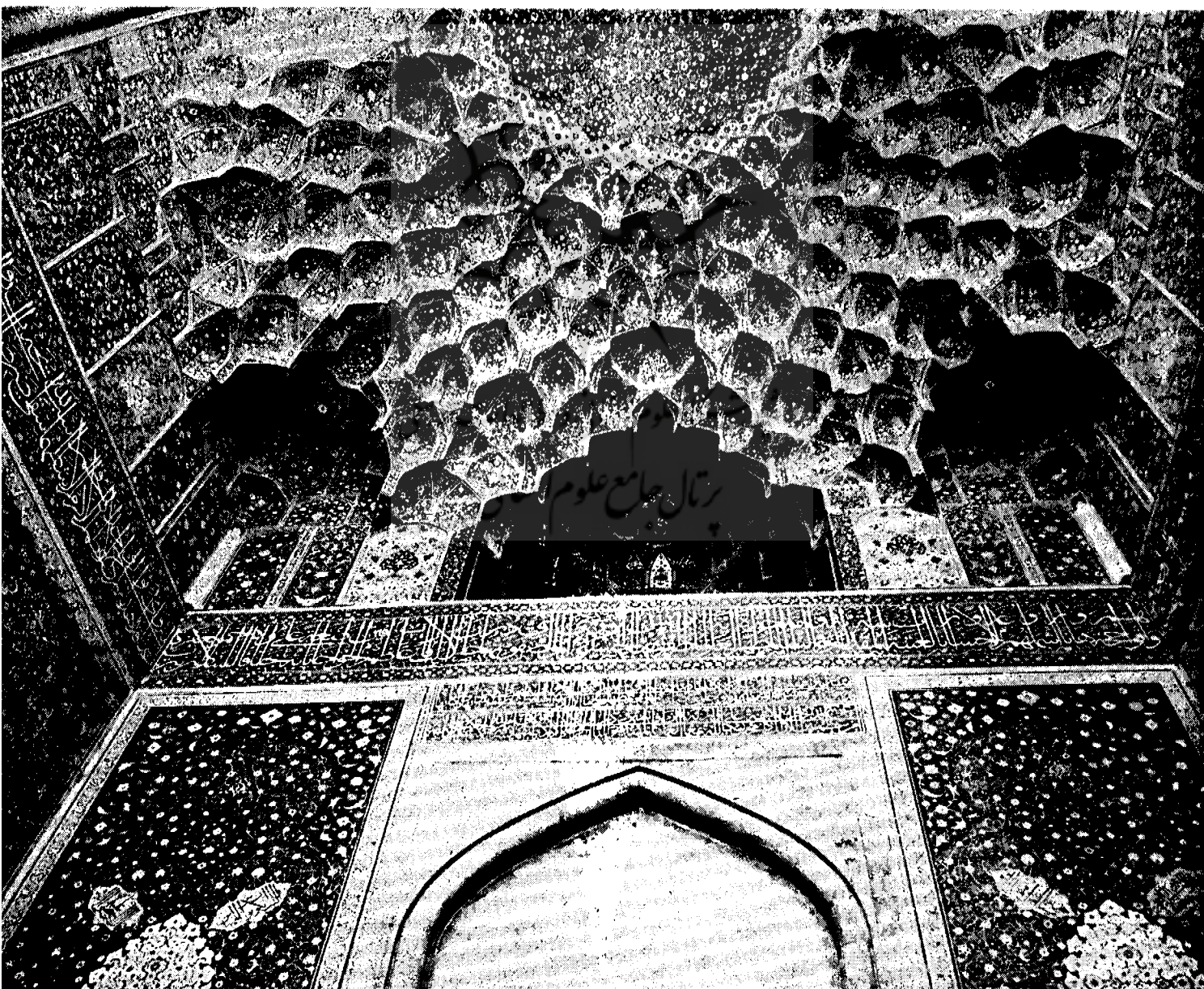
رادیو و تلویزیون که خبر درگذشت وزندگینامه برخی
از هنرمندان و هنرآفرینان جهان را که جز معدودی ناچیز از
مردم این سرزمین یکبار هم تماشانشان را نشنیده‌اند و اثرشان را
ندیده‌اند، با چند ساعت فاصله و با آب و تاب همراه با تفسیر
درباره آثار آنها انتشار میدهند طبیعی است که به استاد معارفی‌ها
نباید گوشه چشمی داشته باشند. باری چون، چنین دیدم به ناچار
بر آن شدم تا این چند سطر را بنویسم، شاید که بیاری برخی
از دوستان بچاپ برسد و همراه با عکس معمار معارفی در اختیار
مردم گذارده شود.

باشد که شب هنگام در قهوه‌خانه‌ها، معماران و استادکاران

سال او را با آن سروکار بود، پیکرش را دربر گرفت.
روزها و هفته‌ها در انتظار ماندم شاید که دستگاههای مسئول
مملکتی از راه بنده نوازی!! هم که شده به گونه‌ای از این استاد
ارزنده یاد کنند و برایش مجلس تذکری ترتیب دهند و یا چند
کلامی دروسایل ارتباط جمعی درباره‌اش بگویند و بنویسند
ولی دریغ که امروز دیگر معارفیها در این جامعه بقول معروف
محلّی از اعراب ندارند تا درسوگ آنها جمعی گرد آیند و به گفتگو
نشینند و روزنامه‌ها و مجله‌ها درباره‌شان مطلب بنویسند و رادیو
و تلویزیون بخاطر آنها برنامه تهیه کنند.

انجام این کارها خاص گروهی معین است و تا آنجاکه
می‌توان صفحه‌های نشریه‌ها را با مطالبی درباره رفیق گرفتن
فلان هنرپیشه و طلاق گرفتن دیگری و یا عکس سگسی آنها پر

بخشی از تزیینات سردر ورودی مسجد شاه اصفهان





مردر ورودی مسجد شاه اصفهان

مرسوم زمان بود از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته بود. نام معمارانی چون: معتمدالبناء، اسماعیل معمار (معمار ظل السلطان) علی اکبر معمار در میان نام معماران اصفهانی ناشناخته نیست و این استادان همه دائی‌های او بودند. حسین کوچک از ده سالگی کار بنائی را پیش پدر آغاز میکند و برای نخستین بار دستهای کوچک او خاک و خشت و آجر را چون دیگر همسالانش لمس میکند ولی نه به قصد بازی و سرگرمی که به قصد ساختن و بنیاد نهادن. در دوازده سالگی سایه پدر از سرش کوتاه میشود و اولین طعم تلخ زندگی و شاید تلخ‌ترین حادثه طول زندگی خود را میچشد و غم بردش می‌نشیند. ولی خیلی زود کار روزانه را آغاز میکند و این بار دائی‌های او هستند که بعنوان استادکار جای پدر را میگیرند. از نخستین بناهایی که او در ساختمانش شرکت داشته است میتوان مسجد «رکن‌الملک» واقع در تخت پولاد را نام برد که معمار آن استاد علی اکبر دائی حسین بود.

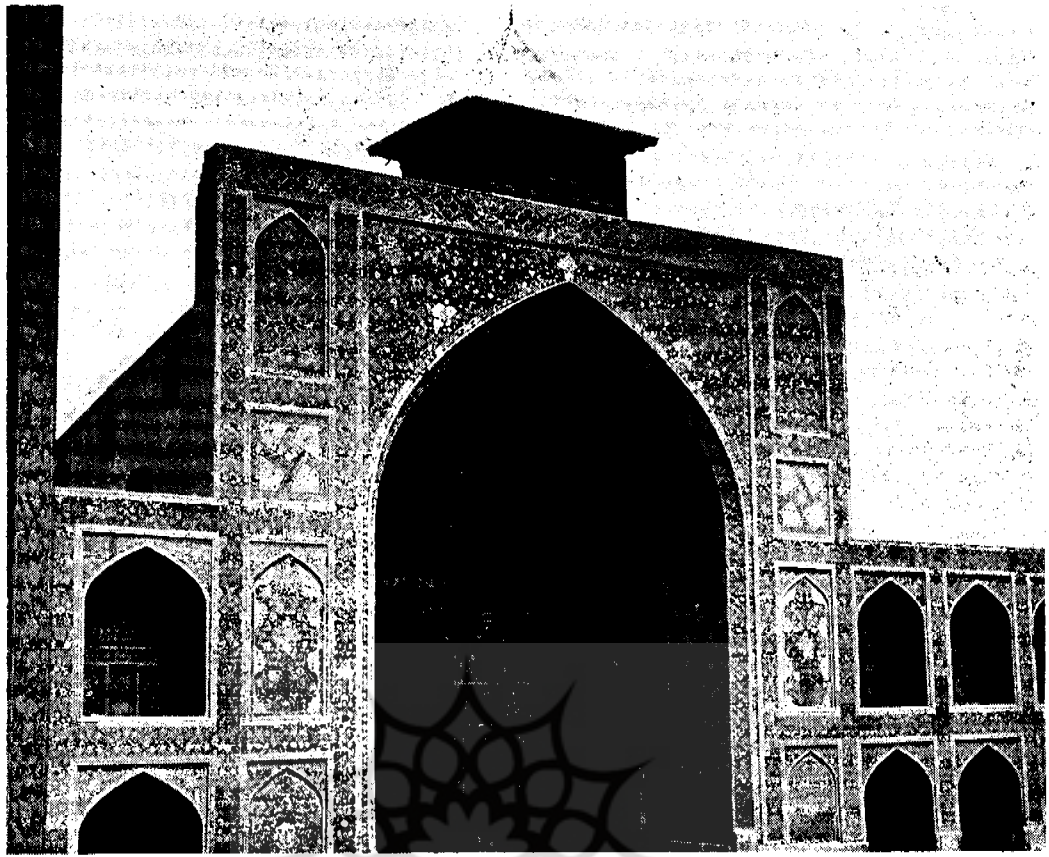
علاقه این کودک خردسال به کار بنائی چنان بود که در بیشتر موارد بکاری که از او نخواستند بودند دست میزد تا جایی

و بنیایان باسواد آنرا برای انبوه همکاران خود بخوانند و بدانند که در این ملک هم گه‌گاه آدمهای عوضی پیدا می‌شوند که بجای تجلیل از صاحبان زر و زور و یاران شاعران و نویسندگانی که چیز نوشتن درباره شان مد روز است، بخاطر مردی سازنده و پرتلاش و استادی صمیمی و مبتکر که از میان مردم کوچه و بازار برخاسته در میان آنها زندگی کرده و بدون هیچگونه تشریفاتی در میان اندوه استادکاران و شاگردان دست پرورده خود به آرامی تا گورستان مشایعت شده چیز مینویسد.

باری بگذاریم و بگذریم و بحثی کوتاه را درباره فعالیت‌های سازنده آن استاد پیر و خدمتگذار راستین آثار باستانی و بناهای تاریخی وطن خود که به اعتباری داستان و سرگذشت زندگی برخی از آن آثار نیز هست آغاز کنیم.

زندگی‌نامه^۱:

در ۱۲۷۲ هجری شمسی در خانواده‌ای متوسط در شهر اصفهان چشم بر جهان میگشاید. گذشته از پدر و جد پدری دائی‌های او نیز از معماران معروف و سرشناس زمان بودند و به بیان دیگر هنر معماری در خانواده پدری و مادری او چنانکه



مسجد شاه اصفهان - ایوان غربی

در این زمان با تأسیس اداره معارف و صنایع مستظرفه در اصفهان معارفی بوسیله میرزا مهدی خان ایرانی با این اداره ارتباط پیدا میکند و وظیفه ساختن و تعمیر برخی از مدرسه‌ها به عهده او گذارده میشود.

از جمله کارهای او در این دوران می‌توان تبدیل خانه امام جمعه را به مدرسه نام برد که بنام مدرسه «بواسحاقیه» و یا «بساقیه» معروف گشت.

۱ - آنچه که درباره زندگی استاد معارفی و کارهای او در این نوشته آمده، مطالبی است که بنا به خواهش اینجانب توسط دوست و همکار عزیز آقای مقدسی باستانشناس جوان دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران در اصفهان در طی مصاحبه و گفت‌وگوهایی طولانی در اواخر سال ۱۳۵۳ و اوایل سال ۱۳۵۴ حاصل گشته است - من که همیشه آرزو داشتم بتوانم نتیجه این گفت‌وگو را در زمان حیات شادروان تنظیم و انتشار دهم، در نهایت تأسف توفیق آن نیافتم و باز هم یکی دیگر از هنرآفرینان راستین این سرزمین در زمان زندگی خود نتوانست شاهد قدرشناسی هموطنان خود باشد. بهر حال وظیفه خود میدانم در اینجا از همکاری آقای مقدسی صمیمانه تشکر کنم زیرا اگر خواهش من را اجابت نکرده بودند امروز بدون شک من قادر به تنظیم این مطلب بر اساس گفت‌وگو و شنود ایشان با شادروان معارفی نبودم.

که بدلیل انجام کارهایی خارج از توانایی‌اش مورد بازخواست قرار میگرفت. او در دوران نوجوانی و جوانی با شور و شوق فراوان در شهری چون اصفهان با فضائی سرشار از، پدیده‌های زیبا و شگرف معماری در کار ساختن بنا و فرا گرفتن ریزه کاریهای فن بنائی کوشش و تلاش کرد.

در ۲۸ سالگی حسین معارفی که بعد از ۱۸ سال کار مداوم تجربه کافی در فن معماری اندوخته بود برای آنکه با محیط‌های دیگر آشنا شود و تجربه‌های خود را در یک کار مستقل بدور از زادگاهش و استادانش بکار بندد، رهسپار خطه خوزستان میگردد و در مسجد سلیمان بکار مشغول میشود. زندگی در خارج از اصفهان معارفی را خوش نمی‌آید و چندی بعد به زادگاهش باز میگردد و در آن ساکن میشود.

معمار معارفی در بازگشت با اصفهان نخستین تجربه خود را در تعمیر یک بنای تاریخی با تعمیر منار شرقی «منار جنبان» که بشدت ویران شده بود آغاز کرد و این کار به سالهای ۱۳۰۱ یا ۱۳۰۲ شمسی مربوط میشود که معارفی سی سال داشته است و در عین جوانی با ۲۰ سال سابقه ممتد در کار بنائی از شایستگی کافی برخوردار بوده است.

در سال ۱۳۰۹ با ایجاد شعبه باستانشناسی در اداره معارف اصفهان معمار معارفی بطور کامل فعالیت خود را در زمینه حفاظت و مرمت بناهای تاریخی دنبال کرد و بناهای عمده‌ای به همت او تعمیر گشت که برخی از آنها را یاد میکنیم :

مرمت مسجد شاه اصفهان

در این مرحله نخستین کار معمار معارفی عبارت بود از نجات ایوان بزرگ جنوبی مسجد شاه و گلدسته‌های آن . بنای ایوان با اصطلاح معماران « سرکش » شده و دوشکاف در آن ایجاد گشته و مناره‌ها حدود نیم متر هر کدام به دو طرف متمایل شده بودند. معمار معارفی در کنار تعدادی معمار کهنسال که آماده انجام این کار بودند، آمادگی خود را اعلام میدارد و طرح خود را پیشنهاد میکند و باستانشناسی او را مأمور انجام این مهم میگرداند.

معارفی بنا را تا ارتفاع ۳۲ متری چوب‌بست میکند ، نخست کاشی‌های روی کار را با دقت شماره گذاری کرده پیاده میسازد و سپس دومنار را از بالا به یکدیگر بگسیل میکند تا از انحراف بیشتر آنها جلوگیری شود و بتواند طاق وسط را برچیند و کلاف کنشی آهنی را انجام دهد. معمار معارفی بنا قرار دادن سه تیر آهن چهل در سمت راست و دوتا در سمت چپ لنگه طاق کار کلاف کنشی را انجام میدهد و آنرا می‌بندد و سپس کاشی‌های اصلی را که بکلمک میخ چهار گوشه آنها ثابت میشد بر روی کار نصب میکند و کاشی‌های فرو افتاده را در کارگاهی که در محل دائر ساخته بود با همان طرح و نقش و رنگ میسازد و بدون میخ روی کار میبرد و نصب میسازد و باین ترتیب ایوان جنوبی و گلدسته‌های آن از خطر انهدام نجات می‌یابد و تا امروز برپا می‌ماند.

« گذار » در باره وضع بد و ویرانی این ایوان و دلیل فرسودگی آن و بالاخره نقش شادروان معمار معارفی در تعمیر اساسی آن در جزوه اول جلد دوم مجموعه « آثار ایران » چنین مینویسد : « برحاشیه بالای ایوان جنوبی مسجد تاریخ ۱۲۶۱ (۱۸۴۵ میلادی) موجود است . این تاریخ مربوط بتعمیری است که بر اثر حدودت زمین لرزه در زمان محمدشاه قاجار بعمل آمده ، زمین لرزه مزبور بنای ایوان فوق را از هم متلاشی ساخت ، راست است باعث این خرابی زمین لرزه بود ولی علت اساسی آن چیز دیگری است .

بطوریکه پیش گفته‌اند شاه‌عباس میل بساختن زیاد داشت و لکن برای اینکه بتواند از عهد این ساختمانها برآید کارها را به ارزانترین بهای ممکن انجام میداد و علاوه شتاب زدگی فوق‌العاده وی مانع از این بود که فرصت کافی بمعماران بدهد کارشان را خوب به انجام برسانند ، با اصطلاح دنیا پس مرگ

وی چه دریا چه سراب .

مثلاً ایوان بزرگ مسجد شاه نمونه‌ایست از ساختمانهای دوره شاه‌عباس چون بتیاد و شالوده بنا غیرمکفی و بی ترتیب است دیوار نما نشست کرد ، دو سمت آن از یک طرف زیر بار مناره‌ها واقع شده و از طرف دیگر فشار رومی بزرگ ایوان نیز روی آن بود و در نتیجه از قسمتهای مجاور خیلی سنگین تر شده و بهمین علت بیشتر بر زمین فرورفت و روه بیرون متمایل شده سینه داد . از این رو شروع کردند بتراشیدن و کندن و خراب کردن قسمت عمده بنا و لازمه اینکار خرابیهای بود که پیش آمد منتهی عیب آن فوراً نمودار نشد زیرا قسمتهای مختلف این بنای آجری با اندازه‌ای متناسب و استوار بهم پیوسته و درهم کلاف شده است که تا مدت مدیدی در مقابل این تلاشهای غیرطبیعی استقامت نمود لکن بطور یقین این قسمت مسجد از زمان شاه‌عباس بیعد رو بمتلاشی شدن میرفته است .

در زمان سلطنت محمد شاه زمین لرزه مسجد را تکان داد و لرزش آن بر علل خرابی ایوان افزود . آجرها از هم در رفت و شکافهای عریضی تولید گشت ، دو مناره بکلی از بنا جدا شد ، محمد شاه همینقدر باین کار اکتفا نمود که بجای کاشیهای فرو ریخته و خرد شده روی بنا کاشیهای نو بگذارد و در بالای آن کتیبه بتاریخ ۱۲۶۱ هجری نصب و افتخار تعمیری را که انجام نداده بود برای خود قائل شود .

در بهار سال ۱۳۱۱ آجرهای دیگری شکست و شکافها تیرا که گرفته از نظر نهان کرده بود بزرگ شد ، همه ساختمان بطور خطرناکی از هم در رفت ، تعمیر آن دو سال بطول انجامید و مستلزم کارهای سخت و مشکلی بود که انجام شد و در اینجا لازم است از زحمات استاد حسین معارفی معمار باشی وزارت فرهنگ در اصفهان قدرشناسی کنم .

بعملی نظیر آنچه گذشت و خرابیهای شبیه ایوان بزرگ در قسمتهای دیگر بنا پیدا شده که محتاج بتعمیر است . این تعمیرات بنسبت فوریت هر مورد و میزان اعتبارات موجود انجام شده و خواهد شد .^۲

نکته مهمی که گذشته از مهارت و کاردانی و استادی معمار معارفی در انجام این کار جا دارد بآن اشاره شود عبارتست از گذشت و بلند همتی این مرد در زمینه تأمین قسمت عمده‌ای از اعتبارات مورد نیاز این تعمیرات از امکانات شخصی خود . موضوع عبارتست از اینکه برای تعمیر ایوان جنوبی در سه قسط هر بار فقط سه هزار تومان از طرف باستانشناسی به اصفهان حواله میشود ولی با این پول با وجود دستمزدهای ناچیز آن زمان (از یک ریال تا هفت ریال در روز) و ارزانی قیمت مصالح ساختمانی ، امکان بانجام رسانیدن آن کار مهم و اساسی غیر ممکن بوده است از این رو کار تعمیر بنا در میان کار متوقف میگردد . در چنین وضعی معماران دیگر که خود را با تجربه تر از معمار

معارفی میدانستند و قبل از شروع کار امکان نگهداری ایوان و مناره‌ها را عملی نمی‌دانسته‌اند و حتی تنی چند از آنان گفته بودند که باید بنا را برچید و باز از نو آنرا ساخت، از این وضع خوشحال میشوند و چنین ززمه آغاز میکنند که معارفی قادر بانجام کاری که تعهد کرده بود نیست، زیرا این کارنشده‌ای است. معمار معارفی که سخت به صحیح بودن طرح خود و امکان اجراء آن اعتقاد میداشته است، آبرو و اعتبار خود را در خطر می‌بیند و تصمیم خود را میگیرد و با بزرگ‌منشی کم سابقه‌ای خانه مسکونی‌اش را میفروشد و با فروش خانه خود بقیه مخارج تعمیر ایوان و گلدسته‌ها را فراهم میسازد و کار را بیابان میرسد. این بزرگواری و گذشت سالهای سال نزدیک به ۴۳ سال بنست فراموشی سپرده شد تا اینکه در اسفندماه سال ۱۳۵۳ نگارنده توفیق آن یافت تا به گونه‌ای موجبات قدردانی از آن استاد کهنسال را فراهم سازد. موضوع عبارت بود از اینکه در جریان برگزاری «سینار علمی و آموزشی بررسی مسائل و مشکلات مرمت و بازسازی بناهای تاریخی ایران» در اصفهان، که از طرف سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران من مأمور انجام آن بودم، با هدیه یک قاب خاتم با تصویری از مسجد شاه اصفهان به شادروان استاد معارفی، کلیه شرکت‌کنندگان در سمینار که عبارت بودند از استادان معماری و باستانشناسی دانشگاهها و تعدادی از مهندسان معمار و باستانشناسان مسئول تعمیر بناهای تاریخی کشور، از خدمات ارزنده آن مرد سازنده و خدمتگذار تجلیل کردند. درباره مرمت این اثر بی‌مناسبت نمی‌بینم تا قسمتی از نوشته محقق ارجمند جناب آقای مصطفوی مدیر کل پیشین باستانشناسی را که در جلد سوم گزارشهای باستانشناسی بچاپ رسیده است در اینجا نقل کنم:

«اینجناب خوب بخاطر دارم که در سال ۱۳۱۱ شمسی هنوز نخستین سال خدمت خود را در دائره عتیقات آنوقت بیابان نرسانیده بودم ضمن صحبتهای همکاران ارشدم که در دائره مزبور اشتغال داشتند میشنیدم از اصفهان تلگرافی خبر شکست ایوان بزرگ مسجد شاه اصفهان را داده‌اند و اداره فرهنگ تقاضای اقدام فوری نموده بود - شادروان یحیی قراگوزلو (اعتمادالدوله) وزیر فرهنگ وقت آقای‌گدار را با اصفهان اعزام داشت - اینجناب چون مأمور تخت جمشید بودم و از انبیه تاریخی و تعمیرات آن از حال حاضر هم کمتر اطلاع داشتم چندان درصدد چگونگی امر بر نیامدم - بعد از سه سال هنگامی که نضتین مأموریت خود را در اصفهان برای تعمیر آثار تاریخی انجام میدادم آقای‌گدار کلافهای آهنی ایوان بزرگ را از بالای بام ارائه میداد و از چگونگی کمربندهای آهنی که زیر کاشیهای مناره‌ها نصب شده است و مهاری که دو مناره را بیکدیگر متصل میسازد و کلافهای روی بام به مهار مزبور اتصال دارد صحبت مینمود - بعداً اینجناب اطلاع یافتم که آقای

معارفی معمار انبیه تاریخی اصفهان را میسود - بعداً اینجناب اطلاع یافتم که آقای معارفی در مقابل استادان معمار مشهورتر و سابقه‌دارتر اصفهان برای تکمیل کار خود و نیمه تمام نمودن تعمیر خطیر ایوان فداکاری کرده خانه خود را فروخته آبرو و حیثیت و آینده خویش را در گرو این خدمت مفید شناخته است»

دنباله کارهای تعمیراتی در مسجد شاه اصفهان :

پس از پایان کار تعمیر ایوان جنوبی با مشکل خرابی گنبد شرقی مواجه میشوند. چنانکه یکی از لنگه طاق‌های پشت گنبد شرقی ترک بر میدارد، معمار معارفی کار تعمیر این واحد را با بررسی دروضع بنای گنبد و پایه‌ها شروع میکند و متوجه میگردد که گنبد شالوده محکمی ندارد و در زمان بنا کار بادقت صورت نگرفته، شتاب و عجله در کار بوده است. از اینرو نخست به محکم ساختن قسمت پایه‌ها میپردازد و سپس کار مرمت کاشیها را که در اثر فشار و نشست بنا فرو افتاده بودند بانجام میرساند، و بالاخره ایوان شرقی را که سرکش شده بود پس از پیاده کردن کاشیها تعمیر میسازد و کاشیها را بار دیگر روی کار نصب می‌کند.

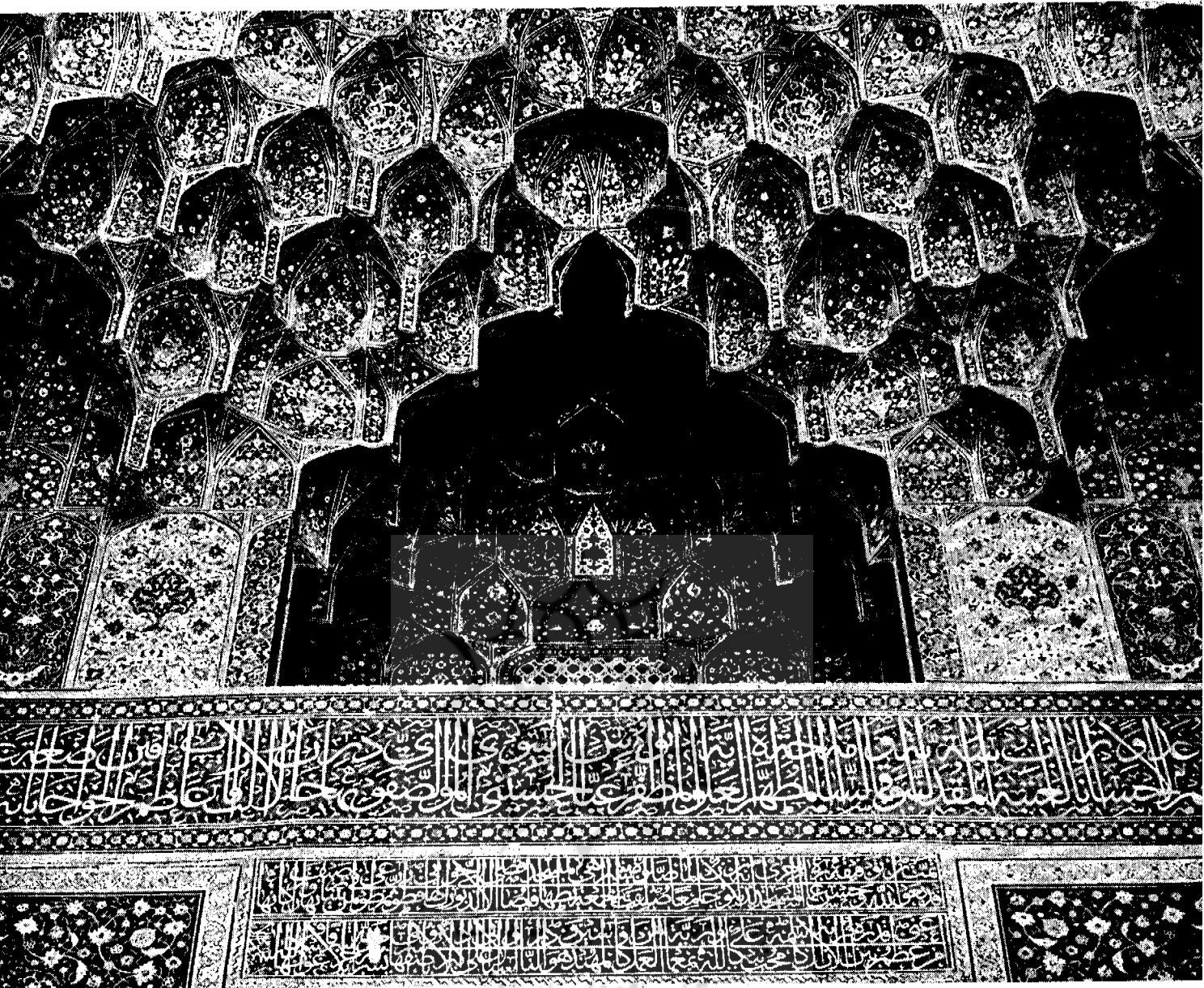
ایوان غربی :

- در ایوان غربی نیز تعمیراتی درزمینه کاشیها صورت میگیرد. در این قسمت کاشیهای نما، زیر طاق و زیر گنبد اکثر پوسیده شده بود، به ناچار کاشی‌ها را بر میدارند و با همان طرح و رنگ کاشی‌های جدیدی میسازند و قسمت‌های از بین رفته و فروریخته را تکمیل میسازند. تعمیرات عمده در این واحد بیشتر مربوط به نما، پشت بغل، کتیبه و زیر کتیبه بوده است. - در زیر گنبد مقصوره در محل باطاق دورتادور به ارتفاع هشت خشت کاشیهای پوسیده و فروریخته با کاشیهای نو مرمت میگردد.

- در هشتی ورودی و سقف بالای سنگاب و به چشمه طاقتهای دالان سمت راست هشتی، تعمیرات تزیینی مربوط به تکمیل کاشی‌ها انجام میگیرد.

- در جنوب مسجد، لنگه طاقتهای سمت غرب شبستان بطرف مدرسه « سلیمانیه » فشار آورده بود، در این قسمت با ایجاد بتن‌ریزی در کف کوجه اقدام لازم درزمینه بستن پشت لنگه طاقتها بعمل آمد. در همین زمان نسبت به تعمیر و مرمت

۲ - آثار ایران - از نشریات اداره باستانشناسی جلد دوم - جزوه اول، ۱۳۱۸ خورشیدی، ترجمه محمدتقی مصطفوی، صفحه ۸۷ و ۸۸.



تصویر دیگری از جزئیات تزیینات سردر ورودی مسجد شاه اصفهان

گنبد نصب میگردد. کتیبه و گردنی گنبد تعمیر و کتیبه زیر گنبد نیز از نو ساخته میشود.

جلوخان و سردر :

- از جمله کارهای تعمیرات اساسی دیگر مربوط به مسجد شاه اصفهان که به همت شادروان استاد معارفی صورت پذیرفته میتوان، تعمیر جلوخان، سردر و مناره‌های آنرا یاد کرد. قطار کاشیکاری معرق سردر که بشدت لطمه دیده بود بطور کامل

کاشی‌های نمای مدرسه سلیمانیه بر اساس نمونه‌های اصلی بعد از مرمت سفت کاری و خرابیهای مختلف این بنا، اقدام میگردد.

گنبد بزرگ :

- گنبد بزرگ مسجد شاه که تقریباً تمامی کاشی‌هایش ریخته شده بود بطور کلی لخت میگردد و در قسمت شکرگاه کلاف‌کشی آن انجام میشود و سپس از گنبد قالب کامل تهیه شده، کاشی‌های پوشش با توجه به طرح اصل ساخته و در روی

مرمت میشود. کاشی‌های جلوخان که تا وسط ترنج ریخته بود تهیه و نصب میگردد. تزیینات مناره‌های سردر که بخش عمده‌ای از آن فروریخته بود تعمیر و کاشی‌های آن در محل نصب میشود.

- در جریان تعمیر واحدهای مختلف مسجد شاه، به ناچار در زمینه نم‌گیری کلی بنا اقدامات اساسی صورت می‌پذیرد. اگر این نکته را در نظر داشته باشیم که نزدیک به صد سال در این بنا تعمیراتی صورت نپذیرفته بود، متوجه میشویم که با گرفته شدن مجراهای آب و فاضلاب، سالیان دراز آب در پی بنا نفوذ کرده و رطوبت گاه تا ارتفاع سه متری دیوارها بالا آمده بود، بنابراین یکی از اساسی‌ترین کارهای تعمیراتی مسجد عبارت بود از بازکردن و تمیز کردن مجراهای آب و فاضلاب و نم‌گیری بنا. در انجام این برنامه و تعمیر مربوط به قسمت‌های اسکلت بنا و سفت‌کاری گاه حدود کار به خارج از بنای مسجد تجاوز میکرد و از جمله تعمیراتی نیز در بنای مدرسه سلیمانیه و مدرسه ناصری نیز صورت پذیرفته است.

- همکاران معمار معارفی: در جریان انجام تعمیرهای اساسی مسجد شاه اصفهان تعدادی از استادکاران اصفهانی در رشته‌های مختلف با شادروان معمار معارفی همکاری داشته‌اند که نام تعدادی از آنها بهمانگونه که در گفتگو با شادروان معارفی در سال ۱۳۵۴ بمیان آمده در اینجا عنوان میشود:

- کارچوب‌بست ایوان جنوبی مسجد شاه بوسیله شادروان استاد عبدالمجید نجار و مرحوم استاد علی‌منشی انجام گرفته است.
- تعمیر کاشیکاری معرق سردر ورودی و قطارهای ورودی مسجد شاه به کمک مرحوم استاد غفار کاشی‌تراش و مرحوم استاد رزاق کاشی‌تراش انجام می‌پذیرد.
- تعمیر کاشیکاریهای نما و دومنار سردر بوسیله مرحوم استاد حاجی کاشی‌تراش صورت می‌پذیرد.
- کارهای سفت‌کاری بیشتر بوسیله مرحوم استاد علی‌عباس معارفی (برادر شادروان معمار معارفی) و مرحوم سید میرزا بنا صورت پذیرفته است.

*

برخی دیگر از بناهایی که شادروان استاد معارفی در کار

تعمیر و مرمت آنها شرکت و نظارت کامل داشته است عبارتند از: مسجد ذوالفقار، مسجد علی، هارون ولایت، مقبره باباقاسم، مدرسه امامیه، امامزاده جعفریه و امامزاده اسماعیل. در مورد تعمیرات انجام شده در هر یک از این آثار شادروان معارفی در گفتگوی مفصل خود در سال ۱۳۵۴ با آقای مقدسی مطالب جالبی عنوان داشته است که تنظیم و تدوین دقیق و انتشار آنها از نظر تشکیل پرونده تعمیراتی این آثار و روشن ساختن بخش‌های تعمیر شده آنها دارای اهمیت بسیار است. زیرا در آن زمان بدلیل کمبود امکانات و مرسوم نبودن تهیه یک پرونده کامل بکمک نقشه و عکس و گزارش از هر بنا قبل از اقدام به تعمیر آن، اطلاعاتی درباره چگونگی کارهای تعمیراتی در این آثار و وضع آنها پیش از مرمت بصورت منظم درجائی جمع‌آوری و ثبت نشده است. این احتمال وجود دارد که با مراجعه به پرونده‌های باستانشناسی و گزارشهای تهیه شده درباره لزوم انجام تعمیرات در این بناها، مطالبی بدست آید، ولی این کاری است که نیاز به نیروی انسانی صاحب صلاحیت و فرصت کافی دارد. بنابراین تا انجام یک چنین پژوهشی ضرورت دارد تا بکمک معدودی از مسئولان دلسوز و آگاه باستانشناسی در گذشته و آن تعداد استادکاران و بنایان سالمندی که دست اندر کار تعمیر بناهای تاریخی بوده‌اند اطلاعات لازم درباره یک یک بناها جمع‌آوری و در پرونده‌های مختلف ثبت گردد. همچنین جا دارد تا تمام افراد با علاقه‌ایکه اطلاعات موثقی و یا مدارک گویا بصورت عکس و طرح از این بناها دارند آنها را در اختیار قرار دهند باشد که موجبات تهیه مجموعه‌ای ارزنده از مدارک و اسناد مربوط به کارهای تعمیراتی در بناهای تاریخی کشور فراهم آید. با توجه به مراتب بالا، نگارنده کوشش خواهد کرد که دیگر گفته‌های شادروان استاد معارفی را نیز با انجام تحقیقات ممکن، تنظیم و انتشار دهد. بدیهی است که امکان دارد کسانی که از نزدیک در انجام این فعالیت‌ها شرکت و نظارت داشته‌اند برخی از این مطالب را بطور کامل، صحیح و دقیق نیابند، در آن صورت نگارنده نهایت خوشحال خواهم شد تا از نظریات اینگونه افراد علاقه‌مند مطلع شوم و آنها را با اطلاع خوانندگان عزیز و ارجمند این مجله برسانم.